

رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان

مهرانگیز شعاع کاظمی*

فرح فرازنده پور**

چکیده:

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز انجام پذیرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر بالای ۲۴ سال مشغول به تحصیل در سال ۹۸-۱۳۹۷ در کلیه رشته‌های علوم انسانی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه آزاد اسلامی بود. از این تعداد، ۱۸۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به تکمیل پرسش نامه پرداختند. ابزار پژوهش، پرسش نامه محقق ساخته با ۲۴ آیتم در حیطه‌های مختلف مرتبط با سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج بود. داده‌های پژوهش حاکی از رابطه معنادار بین نوع سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان بوده است. $p < 0/001$ نتایج حاکی از آن است که نقش متغیرهایی چون سبک زندگی، سطح تحصیلات، اشتغال، ترس از آینده و الگوپذیری و تأخیر افتادن سن ازدواج جوانان پررنگ است و همگی از عوامل زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج هستند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، ازدواج، تأخیر سن ازدواج، سطح تحصیلات، اشتغال.

* دانشیار گروه مطالعات خانواده و زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m.shkazemi@alzahra.ac.ir

** کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

f.farazandehpour@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۳۰

مقدمه

سبک زندگی^۱ عنوانی است که در علوم انسانی در سطح بین‌المللی شناخته شده و از زوایای متعددی به آن نگاه می‌شود. به‌طور کلی، جامعه‌شناسان سبک زندگی را شیوه یا الگوهای زندگی روزمره می‌دانند که نه تنها شامل الگوهای مطلوب فردی، بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خو کرده‌اند یا عملاً با آن‌ها سر و کار دارند است. سبک زندگی تمام مواردی چون الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، نحوه مصرف و چگونگی رسیدن به اهداف را در برمی‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروه وابسته به آن را منعکس می‌کند و در نگاه روان‌شناسان سبک زندگی همان شخصیت است که بیشتر به شیوه زندگی انسان‌ها مربوط می‌شود (نابر و همکاران^۲ ۲۰۱۸). فرآیند شکل‌گیری سبک زندگی در مدل آدلر عبارت از:

آگاهی نسبی انسان از داشته‌های موروثی خود، او را در شناخت جهان پیرامونش توانا می‌سازد. این آگاهی و شناخت به فرد کمک می‌کند تا طرحی از جهان را در ذهن خود ترسیم کند. فرد بر اساس این طرح موقعیت‌های برتری، احساس کهنتری کرده و او را برای جبران این فاصله و رسیدن به امنیت خاطر وامی‌دارد تا برترین الگو را برای حرکت برگزیند. فرد سعی می‌کند با قدرت خلاقیت خود بر محدودیت‌های وراثتی و محیطی غلبه کند. او با نزدیک شدن به هدف در عین کسب حدی از رضایت و ایمنی، به درک جدیدی از وضعیت‌های برتر دست می‌یابد (ریوز^۳ ۲۰۱۰).

امروزه نسل جوان با تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه، دچار آشفتگی روحی و تضاد فکری شده، در نتیجه تحولات جدی در زمینه ازدواج و الگوهای رفتاری خانواده‌ها به وجود آمده است؛ تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، افزایش سطح انتظارات و توقعات خانواده‌ها، روحیه تنوع‌طلبی، تجملاتی شدن زندگی اجتماعی بستر مناسبی را برای تغییر سبک زندگی اسلامی جامعه ما فراهم آورده است. از یک‌سو، جوانان بر این باورند که ازدواج موجب ایجاد محدودیت در بین آنان گشته و از سوی دیگر، آرزوها، ایدئال‌ها و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترک خود دارند، موجب گردیده که جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند و برای فرار از ازدواج و پذیرش مسئولیت، ترجیح می‌دهند به شکل مجرد و آزاد زندگی کنند (فعالی^{۱۳۹۷}). با این تفاسیر، می‌توان گفت دنیای امروز که از لحاظ صنعتی، دنیایی متکامل است، در برخی از اموراتی که به حیات انسان‌ها مربوط می‌شود (ازدواج) بسیار ضعیف و متزلزل

1. life style

2. Naber & etal

3. Rios

عمل کرده است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (مهدوی کنی ۱۳۸۶).

ازدواج یک نیاز و خواست طبیعی زن و مرد است و همه مکاتب در جوامع بشری، به‌ویژه مکاتب آسمانی و خاصه دین مبین اسلام بر آن صحه نهاده و پیروان خود را به ازدواج دعوت و ترغیب کرده‌اند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «هیچ بنایی در اسلام بنیان‌گذاری نشده است که نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج باشد.» از دیدگاه اسلام، ازدواج ضمن دارا بودن همه ویژگی‌های لازم در حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی و بقای نسل و جلوگیری از انحراف‌های مختلف، عبادت به شمار می‌آید و راهی است که به کمال انسان منتهی می‌شود. ازدواج در اصلاح کج‌روی‌های اجتماعی، تضمین بهداشت روانی، کاهش رفتارهای زشت اخلاقی، نقش تعیین‌کننده و بس مهمی دارد (امیر حسینی ۱۳۸۲، ۱۸۷-۱۸۸). باید توجه داشت برای هر انسان، مخصوصاً زنان، سال‌های خاص موعده گزینش همسر بشمار می‌آید، چنانچه این سال‌ها سپری شوند، به همان نسبت نیز شانس زوجیت از دست می‌رود. نگاهی به آمار میانگین سن ازدواج، مشاهده می‌شود که در سال‌های اخیر این میانگین به‌ویژه برای دختران به تدریج افزایش یافته است. از طرفی تجربیات جدید زنان برای حضوری فعال‌تر در عرصه اجتماع، ورود آنان به بازار کار و مساعدتر شدن زمینه برای ارتقاء علمی آنان را وارد مرحله جدیدی از زندگی اجتماعی نموده است، مرحله جدیدی که زندگی معمول زنان را از روال عادی خارج کرده و آنان را در گردونه تحولات جدیدی قرار داده است و وجود چنین تحولات شگرفی زمینه‌ساز اصلی شکل‌گیری تحقیق حاضر است (عموزاد ۱۳۹۳). عوامل زیادی در تأخیر سن ازدواج دخیل هستند که یکی از آن‌ها فاصله رشد اقتصادی و رشد فیزیولوژیک است. جوان ۱۸ ساله که تحصیلات خود را به پایان رسانده با سه راه ورود به دانشگاه، خدمت سربازی و شغل آزاد برای پسران مواجه می‌شود که هر سه راه تا رسیدن به تکامل اقتصادی چند سالی فاصله دارد. گرایش به تحصیلات عالی در پسران و دختران و نبود اشتغال در کنار تحصیل از عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج می‌باشند (صفاریان و مرادی ۱۳۹۴). باید دو مسئله اقتصاد و فرهنگ را به‌عنوان پیش‌نیاز مسئله ازدواج در نظر گرفت. نیاز اقتصادی هر زوج جوان؛ یعنی داشتن شغل مناسب که باید با سرمایه‌گذاری برای آنان ایجاد کرد؛ و مسئله بعدی نیاز به مسکن است که حل این مشکل وقتی انجام می‌پذیرد که یک اقتصاد توانمند داشته باشیم (استفانو و والا ۲۰۱۲). از نظر بعد فرهنگی نیز با توجه به جهان سومی بودن کشور

ما به نیازهای کاذب و فرعیات بیش تر می پردازیم؛ مثلاً تجملات در ازدواج و بالا رفتن هزینه ازدواج، دوستی های قبل ازدواج که عاقبت نافرجام دارد و به ازدواج منجر نمی شود، یا بعداً به طلاق می انجامد. مشکل دیگر ازدواج مهریه های سنگین است که نه به عنوان یک نقطه اتکا، بلکه به عنوان یک اقدام تشریفاتی روزبه روز افزایش می یابد. از دلایل افزایش سن ازدواج، عدم ارائه آموزش های صحیح و آماده نکردن جوان به ویژه دختران برای زندگی آینده است که این مسئله در جای خود موجب افزایش آمار طلاق نیز است (شعاع کاظمی و رضایی ۱۳۹۶). استقلال اقتصادی زنان نیز از جمله بهانه هایی است که به تأخیر در ازدواج می انجامد. اهمیت موضوع پژوهش از این جهت است که موانع سن ازدواج مناسب شناخته شود و درعین حال، اگر ازدواج در سنین بالا صورت می گیرد قدرت سازگاری زوجین نیز بالا باشد.

(۱) پیشینه های پژوهش

الف) پورکتابی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران پرداخته اند. نتایج نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می کنند از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت های از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است.

ب) ناستی زائی (۱۳۸۵) به بررسی موانع ازدواج دختران سیستان بلوچستان پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که هر ۵ عامل مورد بررسی در تحقیق؛ یعنی عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، بی توجهی مسئولان و عدم صلاحیت جوانان در موانع ازدواج دختران از دیدگاه پاسخ گویان مؤثر بوده است (عسکری ندوشن ۱۳۹۶).

ج) صدرالاشرفی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور مرکز رزن پرداخته اند. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان بود. به طور خلاصه بر اساس نتایج تحقیق عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان به ترتیب اولویت عبارت است از: عوامل اقتصادی، فردی، اجتماعی و فرهنگی (همان).

د) رضا دوست و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعداد دیگری از متغیرها در زنان شاغل پرداختند. یافته ها نشان داد که بین تأخیر سن ازدواج زنان و متغیرهایی مانند تحصیلات، میزان درآمد، میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیر مادی از همسر آینده رابطه وجود دارد (صفاریان و گل مرادی ۱۳۹۴).

ه) الیزابت آ شارپ^۱ (۲۰۰۷) در تحقیق خود تحت عنوان «تجربیات زنان از دست دادن گذار ازدواجی» با این هدف، زنانی که هرگز ازدواج نکرده بودند در سال‌های آخر دهه ۲۰ سالگی و اوایل دهه ۴۰ سالگی چگونه هستند و چه توصیفی از مجرد بودن خود دارند، بررسی شد. نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمد زنان دارای تجربیات بلاتکلیفی و نامعلومی بودند و این بلاتکلیفی را با جملاتی نظیر «زندگی در تاریک و روشن» تعبیر کرده بودند. تجربه آن‌ها دائماً در حال عقب و جلو رفتن بود و آن‌ها احساس دودلی می‌کردند و هم‌چنین استراژی‌های برای این بلاتکلیفی در نظر گرفته بودند و سعی می‌کردند که خوب زندگی کنند و در ارزیابی حوادث در مسیر زندگی‌شان در نوسان بودند و با فشارهای داخلی و خارجی در مورد ازدواج نکردن و زمان ازدواج از طرف دیگر روبه‌رو بودند (نایت^۲، ۲۰۱۰). (و) مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۹۳) با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج جوانان در ایران به این نتیجه دست یافتند که رابطه معناداری بین وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان تحصیلات جوانان و نیز بالا بودن هزینه ازدواج، مهریه، جهیزیه، افزایش سطح توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها، داشتن برادر و خواهر بزرگ‌تر مجرد، عدم حمایت مؤسسات دولتی، تردید در تصمیم‌گیری و وضعیت مسکن با بالا رفتن سن ازدواج جوانان وجود دارد (فتحی و مختارپور ۱۳۹۳).

با توجه به پیشینه‌های موجود این‌گونه استنباط می‌شود که ازدواج به‌عنوان یک نیاز فطری در انسان تحت تأثیر عوامل محیطی قرار گرفته است که با وجود نیاز به آن جوانان در سن ازدواج این مهم را به تأخیر می‌اندازند. بررسی پژوهش‌های گذشته بیشترین تأکید را به علل تأخیر ازدواج به‌طورکلی در جوانان داشتند؛ ولی پژوهش حاضر در کنار علل تأثیرگذار به مسئله سبک زندگی و خصوصاً تاخیر ازدواج در دانشجویان نیز پرداخته است؛ چراکه به نظر می‌رسد عمده کسانی که دچار تأخیر ازدواج می‌شوند، اشخاص تحصیل‌کرده جامعه اعم از دختران و پسران مجردند و اینکه چگونه مسئله ازدواج متأثر از سبک زندگی شده است و جوانان آماده ازدواج با الگوبرداری از سبک زندگی غربی چگونه به ازدواج سفید بدون هیچ قید و شرطی تن می‌دهند و از این طریق هویت فردی و اجتماعی خود را خدشه‌دار می‌نمایند. یا در مواردی به زندگی با حیوانات دست‌آموز می‌پردازند؛ ولی به خاطر ناامنی از فضای اجتماعی اقتصادی از ازدواج سر باز می‌زنند؛ بنابراین با توجه به موارد بالا ضرورت پژوهش این‌گونه احساس شد که افراد خصوصاً قشر دانشجویان با قبول و مطالعه شرایط اجتماعی جهت حفظ احساس ارزشمندی از ورود به بعضی فضاها ممانعت و تا زمانی که امکان دستیابی به ازدواج درست و موردقبول مهیا نیست به خویشتن‌داری از طریق

1. Elizabeth A.Sharp

2. Knight

فعالیت‌های مهم اجتماعی بر اساس علایق و فرصت‌های مناسب و سازنده بپردازند تا شاید از این طریق به‌طور مستقیم از میزان طلاق عاطفی و قانونی نیز کاسته شود.

۲) سؤالات پژوهش

آیا بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج رابطه معناداری وجود دارد؟
نقش عواملی همچون (سطح تحصیلات، اشتغال، ترس از آینده و الگوبرداری از سبک زندگی غربی) و تأخیر سن ازدواج چگونه است؟

۳) روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ در بین دانشجویان مجرد بالای ۲۴ سال، اعم از دختر و پسر مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد تهران شمال به انجام رسیده است. انتخاب افراد نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از نوع انتساب متناسب با حجم (کوپر^۱ ۱۹۹۶ ترجمه: رفیع پور، ن ۱۳۸۳ نقل از سرمد و همکاران ۱۳۹۲) در بین دانشکده‌های مختلف در میان دانشجویان با گرایش‌های مختلف انجام گرفته است که بعد از توزیع حدود ۳۰۰ پرسش‌نامه در بین دانشجویان، ۱۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که در این میان، ۱۱۰ نفر آنان با میانگین ۵۹/۵ درصد، متعلق به دختران مجرد در مقاطع مختلف تحصیلی و ۷۵ نفر از آنان با میانگین ۴۰/۵ درصد، متعلق به پسران مجرد دانشجویان است؛ که ۱۰۵ عدد از پرسش‌نامه‌ها با میانگین ۵۷٪ توسط دانشجویان در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۳۷ عدد آن با میانگین ۲۰٪ توسط دانشجویان در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و به تعداد ۴۳ پرسش‌نامه دیگر با میانگین ۲۳٪ توسط دانشجویان در سطح دکترا تکمیل شده است. در مجموع به میزان ۷۲/۴ درصد از پاسخگویان زیر ۳۰ سال، ۱۱/۹ درصد بین ۳۱ الی ۳۵ سال، ۹/۷ درصد افراد ۳۶-۴۰ سال، ۳/۲ درصد از پاسخگویان بین ۴۱ تا ۴۵ سال و بقیه افراد با میانگین سنی ۲/۷ بیشتر از ۴۶ سال داشتند؛ که کمترین سن پاسخگویان ۲۴ سال و بیشترین آن ۵۸ سال است.

۴) ابزار اندازه‌گیری

برای گردآوری داده‌ها، از یک پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شد؛ بخش اول مربوط به ویژگی‌های فردی افراد شرکت‌کننده در آزمون (سن، میزان تحصیلات و...) و بخش دوم؛ متعلق به اندازه‌گیری متغیرهای سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج (الگوپذیری از فرهنگ غربی، وضعیت شغلی، سطح تحصیلات

و...) به تعداد ۲۴ سؤال جهت گردآوری اطلاعات است. برای ارزیابی متغیرهای بخش دوم پرسش‌نامه از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای که با دامنه پاسخ‌های یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) مرتب شده، استفاده گردیده است. روایی محتوایی ابزار پژوهش با استفاده از دیدگاه‌های متخصصان و محققان پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری تأیید شد. برای پایایی این پرسش‌نامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ، استفاده شده است که مقدار ضریب آلفا پرسش‌نامه به صورت کل، معادل ۰/۸۱۸ محاسبه گردید.

۵) داده‌های پژوهش

جدول ۱: شاخص‌های آماری بر حسب جنسیت

جنسیت		
درصد فراوانی	فراوانی	
۵۹/۵	۱۱۰	زن
۴۰/۵	۷۵	مرد
۱۰۰	۱۸۵	کل افراد

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع تکمیل‌کنندگان پرسش‌نامه، ۵۹/۵ درصد زن و ۴۰/۵ درصد مرد هستند.

جدول ۲: شاخص‌های آماری مربوط به سطح تحصیلات

تحصیلات		
درصد فراوانی	فراوانی	
۵۶/۸	۱۰۵	کارشناسی
۲۰	۳۷	کارشناسی ارشد
۲۳/۲	۴۳	دکترا
۱۰۰	۱۸۵	کل

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود، از مجموع تکمیل کنندگان پرسش نامه، ۵۶.۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۰ درصد کارشناسی ارشد و ۲۳.۲ درصد دکتری هستند.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای نشان دادن رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان

متغیر	همبستگی	سطح معناداری	تعداد
تأخیر سن ازدواج سبک زندگی	+۰,۰۴۶	+۰,۰۱۷۱	۱۸۵

چنانچه از جدول (۳) مشاهده می شود، بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد [r(285)=+ 0.46, p>0.05]. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می شود.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب خی دو، فای و کرامر برای نشان دادن رابطه بین اشتغال و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان

ارزش	خی دو	فای	کرامر
۸۱,۳۴۱	۰,۵۳۴	۰,۵۳۴	۰,۵۳۴
درجات آزادی	۱	-	-
سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

چنانچه از جدول (۴) مشاهده می شود، بین اشتغال و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد [χ(4)=0.534, p<0.001]؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می شود.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب خی دو، فای و کرامر برای نشان دادن رابطه بین الگوپذیری و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان

ارزش	خی دو	فای	کرامر
۷۸,۸۱	۰,۴۷۲	۰,۴۷۲	۰,۴۷۲
درجات آزادی	۱	-	-
سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

چنانچه از جدول (۵) مشاهده می‌شود، بین الگوپذیری و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد [$\chi^2(1)=0.472, p<0.001$]; بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب خی دو، فای و کرامر برای نشان دادن رابطه بین ترس از آینده و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان

کرامر	فای	خی دو	
۰,۶۷۶	۰,۶۷۶	۶۹,۵۶	ارزش
-	-	۱	درجات آزادی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری

چنانچه از جدول (۶) مشاهده می‌شود، بین ترس از آینده و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد [$\chi^2(1)=0.676, p<0.000$]; بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۷ نتایج آزمون ضریب خی دو، فای و کرامر برای نشان دادن رابطه بین سطح تحصیلات و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان

کرامر	فای	خی دو	
.۸۷۶.	.۸۷۶	۷۲,۴۵	ارزش
-	-	۱	درجات آزادی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری

چنانچه از جدول (۷) مشاهده می‌شود، بین سطح تحصیلات و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد [$\chi^2(1)=0.876/., p<0.000$]. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، تحت عنوان رابطه سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان دانشگاه آزاد صورت پذیرفت. با بررسی فرضیات و مطالعه پیشینه‌های موجود این گونه به نظر می‌رسد که یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری در زمینه ازدواج و خانواده، تئوری مدرنیزاسیون یا همگرایی خانواده است. چنانچه نتایج پژوهش حاضر به خوبی نشان داد که دانشجویان با تأسی از الگوهای رایج کمتر تمایل به ازدواج دارند و تأخیر در ازدواج را امری ناپسند و ناهنجار تلقی نمی‌نمایند. در تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی، عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع، نظیر رشد فردگرایی و سکولاریسم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی، در تغییر رفتارها و ایدئال‌های مرتبط با ازدواج و خانواده تأکید می‌شود (گلاک^۱ ۱۹۷۶). هرکجا که عناصری از ایدئال‌های اساساً غربی توسعه و اشکال خانواده، مرتبط با آن گسترش و مقبولیت یافته‌اند، به تسریع در تغییر بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی نظیر افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری، کاهش باروری و گسترش خانواده‌های کوچک‌تر، به افزایش سن ازدواج کمک کرده‌اند که همه این عوامل باعث می‌شود سن ازدواج بالا رفته احساس تنهایی کمتری در زندگی جدید نسبت به گذشته حس شود (دیگ مگیو^۲ ۲۰۰۰) چنانچه یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات و ایجاد اشتغال به اشکال مختلف رغبت به ازدواج را کاهش و در حین حال پدیده طلاق نیز از قبح چندانی برخوردار نیست و زوجین متارکه کرده در مواقعی به برپایی جشن و شادی نیز می‌پردازند. تناسب افزایش تحصیلات و تخصص، علاقه‌مندی زنان جهت احراز شغل در جامعه افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، با توجه به نگرش عموم و به‌ویژه زنان، مبنی بر لزوم بالاتر بودن جایگاه شوهر نسبت به زن در خانواده، زنان شاغل زمان بیشتری برای رسیدن به هدف مذکور، در انتظار برای تشکیل خانواده سپری خواهند کرد که موجب تأخیر در سن ازدواج شده است. یافته‌های این پژوهش مؤید نظر (فرن^۳ ۲۰۰۹) بوده است. آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میزان تحصیلات و اشتغال بر سن ازدواج اثرگذار است و یافته‌های جدول (۴) در تأیید این مطلب است. همسو با این، نتایج پژوهش محمدی و عارف (۱۳۸۶) نشان داد که افزایش توانمندی زنان در سطح خرد و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه در سطح کلان باعث افزایش سن ازدواج زنان در ایران شده است. چنانچه محمدپور (۱۳۹۲) نیز در نتایج

-
1. Glock&Bella
 2. Digmaggio
 3. Fern

پژوهش خود نشان داد عوامل مختلفی می‌توانند سن ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند که از جمله می‌توان به میزان تحصیلات، اشتغال به کار خارج از خانه اشاره کرد که زنان با تحصیلات بالاتر و شاغل کمتر احتمال دارد که به ازدواج به روش‌های سنتی تن دهند و در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. تحقیق دیگری که توسط گیل و همکاران^۱ (۲۰۱۵) انجام شد نیز این نتایج را تأیید می‌کند، نتایج تحقیق حاکی از آن است که یک زن جوان به علت داشتن شغل بالا، ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازد، احتمال دارد برای همیشه مجرد باقی بماند. به‌طور کلی می‌توان، علل و عوامل افزایش سن ازدواج در تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته تغییرات اقتصادی و اجتماعی مانند مخارج جشن ازدواج، انتشار تعلیمات متوسطه و عالی، محرومیت گذشته زنان از استقلال اجتماعی و اقتصادی، تغییر شیوه انتخاب همسر از والدین به دختران را از عوامل مهم برشمرد (لسلی و همکاران^۲ ۱۹۹۴). در همین راستا، مرادی و صفاریان و گل مرادی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که ادامه تحصیل و کسب شغل عامل مهمی در جهت افزایش سن ازدواج است و افزایش تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج نظیر انتظار از روابط زناشویی و ازدواج و نحوه انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده است (نقل از قربانی ۱۳۹۶). به نظر تمامی موارد بالا حاکی از نوعی سبک زندگی خاص است که در سایه اشتغال و درآمد ابراز وجود می‌کند و مانع از ازدواج به‌موقع و سبب ازدواج با تأخیر یا مجرد قطعی می‌شود. به نظر تمامی علل و عوامل را می‌توان ناشی از مسئولیت‌پذیری پایین افراد دانست و اینکه قدرت مواجهه با مشکلات و توانایی حل مسئله را ندارند و در مواقع بحرانی مجهز به مقابله با بحران‌ها نیستند؛ بنابراین به‌طور کلی مسئله اصلی که ازدواج باشد را پاک می‌کنند.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت باورهای غلط خانواده‌ها، مسائل اقتصادی، بالا بودن توقعات جامعه از جوانان و عدم امکان آشنایی قبل از ازدواج، فقدان همسر دلخواه و مردد بودن در تصمیم‌گیری؛ تحصیلات، تورم اقتصادی، بالا بودن هزینه ازدواج و مهریه زیاد، نوع خانواده و منبع تصمیم‌گیری راجع به ازدواج، شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر و برابری بیشتر جنسیتی، نیافتن فرد موردعلاقه و دلزدگی از روابط ناهنجار و افراطی و ممتد مهم‌ترین دلایلی است که موجب تأخیر ازدواج در بین جوانان می‌شوند (نقل از فتحی و مختاری ۱۳۹۳). در پژوهش‌های انجام گرفته خارجی نیز نتایجی از عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج دست‌یافته‌اند: از جمله، اینگلهارت و رونالد^۳ (۲۰۰۹)

1. Gayle & Etal

2. Lesli & etal

3. Inglehart and Ronald

وضعیت ظاهری پسران و میزان مهریه. دونالد هیول (۲۰۱۰) تحصیلات عالی و تأخیر سن ازدواج را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج می‌داند (نایت ۲۰۱۰).

گردون^۱ از جمع‌بندی مطالعات خود در رابطه با سبک زندگی عواملی چون الگوهای مصرف، نوع لباس، شیوه صحبت و الگوهای فرهنگی مانند دین، خانواده، آموزش و ورزش را از مهم‌ترین عوامل مهم در سبک زندگی افراد می‌داند (فرانسسکو^۲ ۲۰۱۶). علاوه بر همه موارد ذکر شده، امروزه با نفوذ فرهنگ بیگانه و غربی از طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباطات جمعی و الگوپذیری از سبک زندگی غربی و مدرن، تغییر و تحولاتی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی به وجود آمده به طوری که باعث ایجاد اختلاف‌های آشکاری در شیوه رفتاری و الگوی ازدواج در جوامع سنتی و مدرن شده و این تغییر و تحولات سبب از بین رفتن قالب‌های کهن و دیرینه گردیده و تغییراتی را در زمینه ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی به وجود آورده است. امروزه نسل جوان به اصول و ارزش‌هایی معتقدند که به اقتضای ضروریات و تحولات اجتماعی و اقتصادی، ناچار است تا از سن قدیمی فاصله گرفته و شیوه زندگی جدیدی را برای خود بنا نمایند. در نتیجه، اختلاف فاحشی در بین دو نسل دیده می‌شود. نسلی که به فرهنگ و سنن قدیم وابسته است و نسلی که تحت تأثیر عوامل فرهنگی بیگانه قرار دارد و همین امر باعث بروز سختی‌ها، تعارض و مشکلاتی در زندگی افراد گشته است (محمدپور و تقوی ۱۳۹۳). چنانچه در زمینه ازدواج می‌توان گفت آمال و آرزوهای جوانان از یکسو و وجود مشکلات و موانع ازدواج از سوی دیگر سبب شده تا با از بین رفتن آداب و رسوم ارزشمند اسلامی، جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند. اگرچه ازدواج‌ها به ظاهر سنتی انجام می‌گیرد؛ ولی در باطن به صورت مدرن صورت می‌پذیرد و در عین حال، افراد نمی‌توانند با انتخاب‌های خود کنار بیایند و پایین‌ترین سطح تاب‌آوری را از خود نشان می‌دهند و همین امر سبب عدم اعتماد به آینده خصوصاً ازدواج می‌شود که سایرین از اقدام به این مهم سر باز می‌زنند. در ازدواج سنتی نوعی غربالگری توسط اطرافیان نسبت به انتخاب شریک زندگی انجام می‌گرفت و تمام زوایایی که در دید طرف مقابل پنهان مانده بود توسط اطرافیان سنجیده می‌شد؛ اما امروزه با تقلید از سبک زندگی مدرن، داشتن روابط آزاد میان جوانان از طریق فضای مجازی امری عادی بوده و به این ترتیب نوعی اعتماد کاذب از این طریق در بین آنان ایجاد شده و نقش اطرافیان نیز در این میان از بین رفته است. در نتیجه جوانان لزومی در جهت ازدواج و تشکیل زندگی نمی‌بینند؛ چراکه با صرف هزینه کم نیازهای خود را از این طریق تأمین می‌کنند و در نهایت با

1. gordon

2. Francesco

افزایش سن ازدواج روبه‌رو می‌شویم. اگرچه افزایش سن ازدواج دارای جنبه‌های مثبتی، نظیر رشد عقلی در جهت شناخت از یکدیگر و یا کسب استقلال مادی و عدم وابستگی به والدین در امر ازدواج و تهیه مسکن است؛ ولی باین‌حال، پیامدهای منفی بی‌شماری همچون ازدواج سفید، یا دل‌بستگی‌های بیمارگونه و افراطی به‌صورت هم‌جنس‌گرایی که امروزه در ایران بسیار رواج پیدا کرده نیز دارد؛ بنابراین جهت تعدیل و پیشگیری از عود مسائل، نیاز به بازنگری کلی مباحث فرهنگی و رسانه‌ای احساس می‌شود.

در پایان همانند تمامی پژوهش‌ها، پژوهش حاضر نیز دارای محدودیت‌هایی است؛ از جمله اینکه نمونه موردپژوهش صرفاً دانشجویان یک واحد از واحدهای چندگانه دانشگاه آزاد بوده است؛ لذا تعمیم‌دهی نتایج پژوهش باید با احتیاط صورت پذیرد؛ زیرا ظاهر کسانی داوطلب ادامه تحصیل در دانشگاه آزادند که از تمکن مالی تقریباً خوبی برخوردارند و لزوماً هم چنین موردی عمومیت ندارد. ابزار مورد استفاده در پژوهش ابزار محقق ساخته بود و اگر از ابزارهای استاندارد شده استفاده شود ممکن است نتایج متفاوتی با ابعاد بیشتر نمایان گردد. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بعدی در جهت تکمیل پژوهش حاضر و با متغیرهای بیشتری صورت بگیرد و آیت‌های سبک زندگی اسلامی با توجه به واقعیت جامعه در آن برجسته‌تر باشد. دامنه سنی گروه نمونه کمتر و امکان مقایسه در شرایط سنی نزدیک‌تر فراهم شود.

منابع

۱. امیر حسینی، خسرو. ۱۳۸۲. خانواده خوشبخت، فرزند موفق. تهران: عارف کامل.
۲. سرمد، زهره، عباس بازرگان، و الهه حجازی. ۱۳۹۲. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
۳. شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، و مرضیه جعفری هرنندی. ۱۳۸۸. بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان مجرد و متأهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت درمانی گلاسر. فصل‌نامه پژوهشی اجتماعی ۳(۴): ۱۱۱-۱۲۸.
۴. شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، و طاهره سادات رضایی. ۱۳۹۶. بهداشت روانی خانواده: برگرفته از دیدگاه‌های روان‌شناسی و اسلام، تهران: آوای نور، چاپ اول.
۵. صفاریان، محسن، و گل‌مراد مرادی. ۱۳۹۴. عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان ۳(۷): ۱۰۸.
۶. عسگری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی، و مریم پیری محمدی. ۱۳۹۶. سن ایدئال ازدواج و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر یزد، فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده ۱۹(۷۳): ۱۹.

۷. عموزاد، آرزو. ۱۳۹۴. رابطه بین احساس تنهایی و تأخیر سن ازدواج. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات خانواده دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه).
۸. فتحی، سروش، و مهدی مختارپور. ۱۳۹۳. بررسی نقش و تأثیر رسانه های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران ۶(۲): ۱۰۱-۱۱۸.
۹. فعالی، محمد تقی. ۱۳۹۷. مبانی سبک زندگی. قم: مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین. چاپ دوم.
۱۰. قربانی، نادیه. ۱۳۹۶. رابطه بین سبک زندگی و سلامت روان در اعضای هیئت علمی دانشگاه های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات خانواده دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه).
۱۱. محمدی سیف، معصومه، و محمد عارف. ۱۳۸۶. آسیب شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی (شناسایی و بررسی مهم ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). مهندسی فرهنگی ۱۰(۸۶): ۷۴-۸۹.
۱۲. محمدپور، علی، و نعمت الله تقوی. ۱۳۹۲. عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان. مطالعات جامعه شناسی ۵(۲۰): ۳۹-۵۳.
۱۳. مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۸۶. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصل نامه تحقیقات فرهنگی ۱(۱): ۱۹۹-۲۳۰.

14. DigMaggio, Paul. 2000. Social stratification. lifestyle, social cognition and social participation 558-465 in D. Grusky(ed). Social stratification in sociological perspective. Westview press, san Francisco.
15. Fern, E. F. 2009. A dvanced Focus Group Research. London: Sage.
16. Giddens, A. 1996. In Defence of Sociology. Combridge, NewYork: Polity Press
17. Leslie, G. R. and Larson, R. F. & Gorman, B. L. 1994. I ntroductory Sociology. Oxford Un. Press.
18. Francesco, Chirico. 2016. Religious belief and mental health in lay and consecrated Italian teachers, Journal of religion and health 1-13, doi: 10.1007/s10943-016-0242-7
19. Geddens, A. 1996. In Defence of sociology. Combridge: Polity Press.
20. Glock, Charles Y., and Robert N. Bella. 1976. The Religious Consciousness. University of California Press.
21. Brewer, Gayle, Sarita Robinson, Altaf Sumra, and Erini Tatsi. 2015. The influence of religious coping and religious social support on health behavior, health status and health attitudes in a birish Christian sample. journal of religion and health 54: 2225-2234.

22. Knight, A. 2010. Gender differences in defining infidelity. A Thesis presented, in partial fulfillment of the requirements for the degree master of arts.
23. Miller, L., and Manner, K. 2009. Sex differences in response to sexual versus emotional infidelity: the motivating role of individual difference. *Personality and Individual Differences* 46: 287-291.
24. Naber, M., Andrew, P. C., Stephanie, S., and Webber, S. 2018. The relative influence of trustor and trustee individual differences on peer assessments of trust, *Personality and Individual Differences* 128: 62-68.
25. Rios, C. X. 2010. The relationship between premarital expectation and marital satisfaction. Unpublished MA thesis. Department of family and marriage research. Utah state university. Oksana. Utah.
26. Stefano, J. D. and Oala, M. 2012. Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Journal of Counseling and Therapy for Couples and Families* 16(1): 13-19.